

به بهانه شروع جام جهانی و اکران عمومی فیلم «بیرو»

نگاهی به فیلمسازی درباره فوتبال

روند روبه رشد شبکه‌های اجتماعی در ایران طی یک دهه اخیر باعث شده است هواداران فوتبال از فاصله‌ای بسیار نزدیک‌تر، در جریان زندگی و شخصیت فوتبالیست‌های محبوبشان قرار گیرند و همین موضوع ساختن یک فیلم سینمایی درباره فوتبال را بسیار سخت می‌کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، فیلم‌های ورزشی در اغلب نقاط جهان یک پای ثابت ژانرهای سینمایی هستند و معمولا به تولید فیلم‌هایی جذاب و پرمخاطب می‌انجامند. در ایران، اما به جرئت می‌توان گفت که این‌گونه سینمایی به قدری لاغر و کم‌اثر بوده است که در معادلات جریان اصلی گیشه تقریبا به حساب نمی‌آید.

سؤال مهم این است که چرا این دو مقوله جذاب و پرمخاطب، یعنی سینما و ورزش که هرکدام جداگانه می‌توانند میلیون‌ها شهروند را مشغول خود کنند، روی پرده نقره‌ای به فرم هنری مطلوب نمی‌رسند؟ در این مطلب مروری داریم بر ریشه‌های این موضوع و تطبیق برخی از آن‌ها با «بیرو» که یکی از سراسرترین فیلم‌های فوتبالی سینمای ایران است و دقیقا در گونه بیوگرافیک به شخصیت علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان مشهور تیم ملی فوتبال ایران، پرداختند.

فوتبال فربه

فوتبال در ایران طی سال‌های اخیر به یک پدیده فراگیر و مؤثر تبدیل شده است. محبوبیت فوتبال در ایران از اواخر دهه ۷۰ با حماسه ملیورن آغاز شد و در دوازده سال اخیر، با حرفه‌ای شدن لیگ برتر فوتبال، ورود مربیان خارجی کاربزماتیک به کشور و صعودهای متوالی به جام جهانی، به اوج خود رسید. در این شرایط، طبیعی است که تعداد برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی مرتبط با فوتبال رو به افزایش بگذارد و فعالان رسانه‌ای به‌طور مفصل درباره جزئیات سرگذشت و شخصیت فوتبالیست‌ها حرف بزنند.

از سوی دیگر، روند روبه رشد شبکه‌های اجتماعی در ایران طی یک دهه اخیر باعث شده است هواداران فوتبال از فاصله‌ای بسیار نزدیک‌تر، در جریان زندگی و شخصیت فوتبالیست‌های محبوبشان قرار گیرند و همین موضوع ساختن یک فیلم سینمایی درباره فوتبال را بسیار سخت می‌کند. در واقع، امروز مردم همه‌چیز را درباره متن و حاشیه فوتبال می‌دانند و روزانه در معرض انبوهی از اخبار متن و حاشیه فوتبال قرار دارند که همین موضوع باعث می‌شود کمتر فیلم‌سازی بتواند یک اثر بیوگرافیک بدیع درباره فوتبال بسازد.

«بیرو» مهم‌ترین مثال از وضعیت مورد بحث است؛ یک اثر بیوگرافیک با مایه‌های پررنگ ملودرام درباره علیرضا بیرانوند که شخصیتی ممتاز با سرگذشتی منحصر به فرد محسوب می‌شود. «بیرو» برای نمایش دراماتیک زندگی بیرانوند تلاش شایان توجهی کرده، اما مخاطب همه این قصه را به شکلی مؤثرتر و با تفصیل بیشتر، بارها از زبان خود علیرضا شنیده است؛ از گفت‌وگوی پراحساسش با احسان علیخانی در «ماه‌عسل» گرفته تا انواع و اقسام مصاحبه‌ها با برنامه‌های ورزشی و دوربین‌های خبری.

حالا تقریبا همه مردم ایران قصه بیرانوند را با جزئیات می‌دانند و اگر قرار است فیلمی هم درباره او ساخته شود، باید اساسا با نگاهی متمایز و دغدغه‌ای فراتر از ورزش (در حد و اندازه‌ای که ارزش تبدیل شدن به یک فیلم سینمایی بلند را داشته باشد) به سینما بیاید.

عینک فیلم‌ساز

از دیگر مواردی که باعث شده است گونه ورزشی در سینمای ایران نحیف بماند، این است که فیلم‌سازان برجسته و درجه یک سینما کمتر مایل‌اند به چنین ژانری ورود کنند. به‌طور مشخص و در یک دهه اخیر، این فقط بهرام توکلی بوده که به‌عنوان یک فیلم‌ساز برجسته، گریزی به زندگی یک ورزشکار زده و اثر آبرومندی را درباره مهم‌ترین ورزشکار تاریخ معاصر ایران یعنی جهان‌پهلوان غلامرضا تختی ساخته است. در این زمینه فیلم «عرق‌سرد» از سهیل بیرقی را هم می‌توان یک تلاش شایان توجه از فیلم‌سازی سرحال و خلاق برای پرداختن به یک ماجرای پرهیاهو که به فوتسال گره خورده لحاظ کرد.

بقیه آثار، اما از «فوتبالیست‌ها»، ساخته علی‌اکبر ثقفی، در سال‌های دور گرفته تا همین «بیرو» به کارگردانی مرتضی علی‌عباس میرزایی، فیلم‌هایی فاقد یک دغدغه مشخص که قابلیت مبدل شدن به فیلم را داشته باشند، به شمار می‌روند. اساسا زندگی هیچ انسان مشهوری نمی‌تواند صرفا با منعکس شدن بر روی پرده سینما، فیلم لقب بگیرد. اعمال نقش فیلتر ذهنی کارگردان بسیار اهمیت دارد و جای خالی عنصر بازآفرینی واقعیت به شکلی که درخور هنر هفتم باشد، اغلب در این قبیل آثار به چشم می‌آید. مقصود از این خلاقیت چیزی فراتر از تغییر اسم و رسم شخصیت‌ها (چنان‌که در فیلم «یادم تو را فراموش»، ساخته علی عطشانی دیدیم) یا باز کردن پای شخصیت اصلی به متن فیلم (مانند «بیرو») است.

جهان پر از سوءتفاهم

یکی از معضلاتی که باعث می‌شود ژانر ورزشی در ایران به‌خوبی پا نگیرد، فضای فرهنگی حاکم بر کشور ماست که معمولا پرداختن به اشخاص و وقایع

حقیقی را تا سرحد غیرممکن بودن دشوار می‌کند. در ایران فیلم‌سازها آزادی عمل لازم برای ارائه قرائت خاص خودشان از یک شخصیت یا حادثه واقعی را ندارند و به محض ورود به ماجراهای غیرخیالی که مابه‌ازایی در واقعیت دارند، درگیر انبوه حواشی، دل‌خوری و حتی در مواردی مسائل حقوقی می‌شوند.

کافی است حاشیه‌های مربوط به مرگ جهان‌پهلوان تختی یا موضوعات مربوط به رابطه امیر قلعه‌نویی و مرحوم ناصر حجازی در مستند «من ناصر حجازی هستم» را به یاد بیاورید تا تصدیق کنید که این قبیل موضوعات معمولاً مشمول واکنش‌های غیرمنطقی می‌شوند و مشکلاتی را به وجود می‌آورند که در نهایت باعث می‌شوند فیلم‌سازها عطای ساختن فیلم درباره شخصیت‌های مشهور با هواداران زیاد را به لقای آن ببخشند. به نظر می‌رسد که سازمان سینمایی و وزارت ارشاد، به‌عنوان متولیان اصلی سینما در ایران می‌توانند در این مورد نقش تسهیلگری را ایفا کنند تا موضوعات ورزشی پرچالش و جذاب برای مخاطب بتوانند به فیلم‌های محبوبی که گیشه سینما را رونق می‌بخشند، تبدیل شوند.

شخصیت‌پردازی

مسئله تکنیکی مهم درباره تولید فیلم در حوزه ورزش و به‌طور مشخص فوتبال، به نگارش فیلم‌نامه در این عرصه و مشخصاً بحث شخصیت‌پردازی در عرصه ادبیات نمایشی مربوط است. تبدیل کردن یک شخصیت واقعی (ورزشکار) به یک کاراکتر سینمایی ملموس و باورپذیر حلقه مفقوده سینمای ایران در عرصه فیلم‌سازی ورزشی است. ضعف در این عرصه مشخصاً در «بیرو» به چشم می‌آید؛ جایی که مخاطب کمتر از بیرانوند واقعی می‌تواند با علیرضای فیلم همدلی کند.

ساختار کلی قصه این فیلم نیز تقریباً خالی از هرگونه پیچیدگی دراماتیک است؛ به‌طوری‌که تقریباً همه مراحل آن را می‌توانیم حدس بزنیم. تلاش سازندگان «بیرو» معطوف به این بوده است که جای خالی ظرافت‌های داستانی فیلم‌نامه را با عناصر نمایشی مختلفی از جمله تصاویر آهسته، موسیقی حجیم و ارجاعات متعدد به جهان واقعی پر کند؛ انتخاب‌هایی که «بیرو» را از سطح متوسط سینمای ایران پایین‌تر نگه می‌دارد.

درباره ضعف‌های مستندسازی ورزشی در مشهد

مدیوم مستند و ژانر ورزشی در سینما موضوعاتی هستند که معمولاً در ایران با بی‌توجهی اهالی هنر مواجه شده‌اند. بااین‌حال به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر این گونه خاص سینمایی دوباره پا گرفته است و مستندسازان توانسته‌اند آثار مختلفی را -به‌ویژه در گونه پرتیر مستند- بسازند که بسیاری از آن‌ها با استقبال مردم نیز مواجه شده‌اند.

از میان مهم‌ترین مستندهای ورزشی سال‌های اخیر، علاوه بر «آبی به رنگ آسمان» که درباره باشگاه استقلال تهران ساخته شده است، می‌توان به آثار زندگی‌نامه‌ای مختلفی از جمله «من ناصر حجازی هستم»، «فرشاد، آقای گل» (درباره زندگی ورزشی فرشاد پیوس)، «صفر تا سکو» (درباره خواهران منصوریان) و نیز «سمفونی حمید» به کارگردانی جعفر صادقی با موضوع زندگی و شخصیت حمید علیدوستی اشاره کرد که دو مورد آخر بسیار مورد توجه مخاطبان قرار گرفتند.

در این زمینه، اما وضعیت مستندسازی در خراسان و مشهد اصلاً مطلوب به نظر نمی‌رسد. درباره خطه‌ای از کشور صحبت می‌کنیم که بیش از ۱۲۰۰ بازیکن به فوتبال کشور معرفی کرده، نخستین مربی صعودکننده به جام جهانی را پرورش داده است و زنده مهم‌ترین گل تاریخ فوتبال ایران در بازی موسوم به حماسه ملبورن نیز هنوز در این شهر زندگی می‌کند. در کشتی که ورزش اول ایران محسوب می‌شود نیز برادران خادم، به عنوان برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ کشتی ایران با شخصیتی پیچیده و منحصربه‌فرد از پیش‌کسوتان مشهد هستند. به‌علاوه، فهرست مذکور را با مرور بزرگان ورزش ایران در رشته‌های مختلف می‌توان بسط داد.

بااین‌همه، صحنه فرهنگ در مشهد تقریباً خالی از مستندهای ورزشی پرتیر یا زیرگونه‌های دیگر است. درباره چهره‌هایی که نام ایشان را ذکر کردیم، مستند قابل اشاره‌ای ساخته نشده و چه‌بسا چهره‌های مهم و مستعد دیگری نیز هستند که در غبار گذر زمان به فراموشی سپرده شده‌اند. جای تعجب است که مستندسازی در خراسان و مشهد، به‌هیچ‌عنوان یک عرصه ضعیف از هنرهای نمایشی محسوب نمی‌شود؛ برعکس، هر سال سینمای مشهد مستندهای شایان‌توجهی را با موضوعات مختلف تولید می‌کند و به نمایش می‌گذارد.

مهم‌ترین عرصه مستندسازی در مشهد، تولید آثاری با محوریت فرهنگ رضوی و حرم مطهر امام‌رضا (ع) است که نشان می‌دهد استعداد و امکانات کافی برای تولید آثار مستند باکیفیت در این شهر وجود دارد. بااین‌حال در بخش ورزشی وضعیت مستندسازی مشهد اصلاً پذیرفتنی نیست و فضای فرهنگی در این شهر کاملاً به حمایت مسئولان و همت هنرمندان در این عرصه نیاز دارد.

مستندهای ورزشی در این بخش از کشور، نه به شهر مشهد و مفاخرش محدود می‌شوند و نه صرفاً منحصر به زیرگونه آثار زندگی‌نامه‌ای هستند. سنت‌های گوناگون ورزشی در شهرهای مختلف استان خراسان، چهره‌های ورزشی مختلف در رشته‌های گوناگون و مهم‌تر از همه موضوعات فراگیری همچون نابود شدن تیم‌های فوتبال مشهد که دغدغه عمومی مردم هستند می‌توانند دستمایه تولید مستندهای ورزشی قابل توجه و ماندگار قرار گیرند.

منبع: شهرآرانیوز